

امان از فریب دادن و صد امان از خود فریبي

نمی دانم چاره رهایی سرزمینی که در آن شیفتگان نقش مار از نوشته مار به مراتب بیشتر است در چیست. جماعت خودباور در خود فریبي اندکی به خود نمی آیند تا ببینند ریشه این همه بدبختی از چیست.

اگر درد را در ریا و تزویر می بینید پس چاره را تریاقی بایست قوام گرفته با اصول مبارزه ، یعنی آگاهی به ضعف . یعنی آشکار کردن ضعفها نه سرپوش و پنهان نمودن آنها.

نامه نخست عالیجنابان را در فراخوان به همه پرسیدیم و از این همه ذوق و ابتکار هنوز حیرت زده بودم که نامه پشت نامه اضافه شد و چماقها برافراشته که دیگر اصلی ترین شعار همین است و جز این نیست بلکه چاره ما در فراخوانی است آن هم به همت موج سوارانی در معرکه که بدانید آنچه "ما" می خواهیم تغییر قانون اساسی است. م  
انگار تمامی مشکلات ما در تغییر شیوه بزرگ نهفته است و نه بیش. و چه بهتر که این آرایش تازه با گلگونه شعار حقوق بشر باشد تا دیگر این همه مدعی ریز و درشت را بایست از راه برداشت. و زهر پالایش بهترین درمان است.

چه بگویم که انقدر نیز خویش را قبول دارند که در بوق و کرنا کرده اند که به چه استقبال عظیمی و نخبگان فرنگ دیده و فعالان داخل مانده خواسته ای جز این مهم ندارند

فالی زده اند خسته شان باد اما برای من و تویی که ضربه ها دیده ایم و فریادمان از سر مردم سوار شدن جماعت بلند است چه گودالی مخوف تر که به مرداب راکد این همه سال سرازیرمان کنند که به این هم تحرك و این هم دموکراتیک رفتار کردنمان

یادمان هست؟ رویاه ملا شده بود بچه ها را درس می داد... چاره مبارزه با اژدیهاکی که ریشه از ضعفهای خودمان گرفته چیزی نیست جز لچکی بر سرش افکنند و نورقصی با شعار رفراندومی

هیئات که هنوز راه رفتن نیاموخته قهرمانان دویی برایمان تراشیده اند بیا و ببین و شاقول راست و متعادلشان هر چپ و راستی را در هم پیچانده که این است عین عدالت

این حرفها را برای این و آنی می گویم که چون صدف قطره اشکی که به من می دادند می زدم بر لب خود مهر و گهر می کردم... هر چند دیگر بس است این همه نکبت و شومن بازی..

آقایان خانمها من ایرانی فغانم از بیداد است از روز تاریک است از دشنة کینه ای است که خودی فرو آورده و از لعاب زنان کوتاه آستینی است که راست را کج خوانند و گویند همین است و بیش نیست  
آقایان خانمها ادعای تغییر قانون اساسی اجوبه ای چون جمهوری اسلامی نموده اید که چاره دردمان باشد! آخر مگر هفتاد درصد جمعیت جوان ایران رای به این ملغمه داده اند که حالا رای به اصلاحش دهند؟  
ببینم اگر در همان سال پنجاه و هشت صدای اعتراض آنانی که به صراحت گفتند به این قانون اساسی رای نمی دهند را زیر آوار رفراندومی میلیون شمسند حال چه شده همان مار سرما زده را دوباره دم زنده کنی می دهید  
آقایان خانمها چه شده که بایستی این آقایان دفتر تحکیم وحدت دو سالی زمان را می کشتند و امروز روز که موج مناسب را می بینند باز زنده شوند و صدایشان را با فریب همه خوانی به خورد مردم دهند

چه بگویم که اگر این است حکایت سیاست بازان درس سیاست ناخوانده و شیفتگان قدرت نوازی مرا با شما کاری نیست..

اگر صدای فریاد مبارزین را با طبل ما حقیق چون غالییم می نوازید شادینان مبارک خودتان باد که نه غم صفا دارید نه ضربه تازیانه استبداد را می دانید که چیست...

اگر سر بزنگاه انباشته گشتن نیروی تغییر لگامی این چنین را چاره ساز دیده اید دیگر کو تا شب باز ستاره ای بزاید و همت راستان دوباره به خود آید.

بازی راه انداختن و سر مردم را گرم کردن و توجه را از همین برنامه اتمی این غول دور کردن چه هماهنگی بهتر از جهل این آقایان و خانمها می طلبد که انگاری این دیو ریش و پشمی بیش نیست و با چنین نهیبی آن هم تا این مقدار دموکرات منش تنوره کشان به آسمانها خواهد رفت و لشکر سپیدی به میدان! آری درست بزنگاهی که بیشتر از هر زمان دیگری حکومتی چند چهره اما یکدست خود را در خطر می بیند چه به موقع به نجاتش شتافتید که ما خواهان تغییر قانون اساسی اش هستیم و فعلا لا غیر!

یادمان باشد زمانی که تغییر حکومت در بیست و شش سال پیش رخ داد قدرت پرستانی درس قدرت ناخوانده پا به عرصه تاخت و تاز نهادند که چاره ای جز ارباب و کشتار برای بقای خویش نداشتند. سالها گذشت و در سر دو بزنگاه نابودی ، یکی ماجرای سفارت خانه آمریکا و دیگری جنگ به خوبی پایه های قدرت خویش را محکم تر کوبیدند. ماجرای قتلهای زنجیره ای راه انداختند و با یک تیر دو نشان زدند گسترش بیشتر ترس و بالاتر از آن چهره نمایی و بزرگ اعاده دادرسی نداشتن خودشان. زمانی که خشم ملت را حس کردند به تزویر چهره سازی پرداختند و

تمامي بديها را بر " گروه خودسري" کوبيند که انگاري پاک و مقدس زاده شده اند و ابدا عبايشان به خون آزاده اي آغشته نگشته است. و دوام اين ريا بي بلند گوهاي تبليغاتي مخالفاني خودساخته امکان پذير نمي بود تا اينکه دادخواهاني اصيل و با صراحت پا به ميدان نهادند. آن را نيز با حربه خانم دکترري خودساخته و ماجراي تقلبي نوارسازانشان داشتند به خورد خلق مي دادند که باز هم همان اصالت حق خواهي به مقابله ايستاد. زمان خريدن و سر مردم را گرم کردن کار تازه شان نبوده و اين را با کمک نابخردان دوستاني به انجام مي رسانند که خوب بر زمينت مي زنند و درست اين روز روز که لرزه برنامه اتمي و حساسيت زماني اش مي تواند به کل آنها را نابود گرداند ناجي اي جز اين مدعيان اصلاح نمي توانند که بنراشند...

يادمان باشد ماه زير ابر پنهان نخواهد ماند

سايه سعدي سیرجاني  
آذر ماه هزار و سيصد و هشتاد و سه